



**بازگشت عکس نوشت**  
امیر جدیدی نوشتن نشتون خود  
درباره عکاسی و مسائل روز را از سر گرفت



**سپهر و یان بزنگاه جنگ**  
یادداشتی از علی ورامینی  
در مقایسه اپوزیسیون ایرانی و روزنامه نگار آمریکایی



**نیاز به ریسک داریم**  
گفت و گو با بهروز شعبانی کارگردان آغوش باز  
درباره آخرین ساخته اش و سینمای ایران



**همان همیشه**

مروری بر مواضع رسانه های اصولگرا از تروز اسماعیل هنیه تا پاسخ ایران به اسرائیل

دولت برای حل مشکل انتص **گزارش دولت ۲۰۳** ابات لایحه ای به مجلس فرستاد

# اصلاح قانون مشاغل حساس

سرمقاله

۱۷ اکتبر آغاز یک دوره

روایتی از وضعیت زنان و کودکان غزه و رفح یک سال بعد از ۷ اکتبر

## نبرد هرروزه برای بقا



۱۷ اکتبر سال گذشته کمتر کسی انتظار داشت هنگامی که بیدار می شود، خبر یک تهاجم تمام عیار به اسرائیل را بشنود؛ تهاجمی که برای اولین بار از سال ۱۹۴۸ به درون مرزهای آن حکومت کشیده شده بود؛ حمله ای که دقیقاً ۵۰ سال پس از جنگ رمضان و در آستانه بزرگترین عید یهودیان یعنی «یوم کیبور» آغاز شد. در این روز رسانه های اسرائیل برنامه ای پخش نمی کنند، فرودگاه بسته است، اتوبوس و مترو متوقف و مغازه ها نیز تعطیل هستند. حمله از جانب حماس انجام شد. از محدوده و نوار ساحلی کوچک غزه ولی پرتراکم که به صورت یک زندان بزرگ درآمده بود و از تمام جهات تحت محاصره اسرائیل و وابسته به آن بود. عبور از موانع بسیار پیچیده و ورود اولیه بیش از ۳۰۰۰ رزمنده و افزایش تعداد آنان در ادامه ورود به شهرک های یهودی نشین همه را متعجب کرد؛ عملیاتی که شاید به مخیله هیچ کس خطور نمی کرد. ولی این تازه آغاز ماجرا بود. آنان به پایگاه های نظامی و شهرک نشینان و یک برنامه کنسرت حمله کردند. هنگامی که ماجراها قدری فروکش کرد، معلوم شد نزدیک به ۱۲۰۰ اسرائیلی یا شهروندان دیگر کشورهای دیگری کشته شدند. چند صد نفر نیز اسیر و به غزه برده شدند تا در تونل های آنجا نگهداری شوند.

این حمله سرآغاز دوران جدیدی در خاور میانه شده و لبنان و ایران را هم به بنحوی جدی درگیر خود کرده و هنوز که یک سال از آن می گذرد، به نقطه پایدار نرسیده است. حادثه هفتم اکتبر قدرت های جهانی را به این واقعیت رساند که بدون حل مسئله فلسطین، خاور میانه روی آرامش نخواهد دید. این مسئله هم با سرکوب فلسطینی ها حل نخواهد شد. همچنان که تاکنون حل نشده است. به همین دلیل، آمریکایی ها برخلاف گذشته، طرح راه حل دودولتی را روی میز گذاشته اند. غزه در عمل نابود شده؛ ولی مردم آن همچنان ایستاده اند و حماس هم قادر به تداوم حیات خود است. حزب الله ضربات بسیار سختی خورده و رهبران اصلی آن ترور شده اند. ایران نیز وارد درگیری مستقیم با اسرائیل شده است. این جنگ سطح جدیدی از فن آوری نظامی و جاسوسی را به نمایش گذاشت. مهمترین اثر آن که تا حدی هم بازگشت ناپذیر است؛ سقوط کامل اخلاقی اسرائیل است. در واقع، در حدود ۸۰ سال گذشته اسرائیل سعی کرده با سنگر گرفتن پشت هولوکاست غرب و اروپا را به گروگان سیاسی، نظامی و اخلاقی خود درآورد و تقریباً هر جنایتی خواسته، انجام داده است. غرب نیز این بار گناه را به دوش دیگران انداخته و هزینه آن را از جیب مردم این منطقه و فلسطینیان می پردازد. اسرائیل سعی کرد در آغاز این جنگ بار اخلاقی جنگ را بر دوش فلسطینی ها بیندازد؛ ولی در ادامه چنان جنایتاتی کرد که در عمل نزد افکار عمومی حتی غربی ها به شدت منفور شد و شکافی بزرگ میان مواضع دولت های غربی با مردم آنان در موضوع اسرائیل پدیدار شد که به طور قطع، در آینده عمیق تر خواهد شد و اسرائیل را با بحران حمایتی مواجه می کند؛ حمایتی که بدون آن قادر به ادامه جنایات خود نیست. نسل کشی، جنایت علیه بشریت و اقدامات جنگی ممنوع از اهم اتهامات اسرائیل است. استقبال علنی برخی از آلمانی ها در خیابان های برلین از حملات موشکی ایران به اسرائیل شواهدی مهم از این بروز رویکرد است. نکته مهمی که از ابتدا مطرح بود و اکنون هم تشدید شده، این پرسش بود که آیا ممکن است نتایج این حمله اطلاع نداشته باشد؟ در واقع، طرح کنندگان این پرسش به طور ضمنی می گفتند که این «تله نتایج» است که با اقدام حماس خود را از خطر برکناری نجات دهد. این ادعا اکنون پررنگ تر شده است؛ زیرا با توجه به قدرت اطلاعاتی آنان به ویژه در غزه و بعد هم در ترور اعضای حزب الله و رهبری حماس و با توجه به نتایج کنونی میدان جنگ، از روی نتیجه می توان گفت که نتایج این حمله سود برده است. اما این استدلال چندان دقیق نیست. نه اینکه آن را به کلی بتوان رد کرد؛ ولی کافی هم نیست. با این حال، بیابید فرض کنیم که دقیقاً همین گونه باشد. در این صورت، یک رژیم چقدر باید ضد انسانی باشد که چنین وضعی را علیه مردم خود ایجاد کند تا نخست وزیر فاسد خودش را نجات دهد؟

عکس: nymtimes